

نقش سیاستهای دولت در تسریع توسعه صنعتی کشور

دکتر محمد حسین سلیمی

چکیده

نوع سیاستهای متخذه از طرف دولت در جهت توسعه صنعتی کشور می تواند بر روابط دانشگاهها و صنعت تاثیر مستقیم داشته باشد.

در صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه معمولا "چهار نوع سیاست مورد توجه قرار گرفته اند:

- نحوه رفتار با تجارت خارجی ،

بخصوص استفاده از انواع شیوه های مالیاتی در کالاهای خارجی و محدودیتهای تجاری برای حفظ صنایع داخلی؛ - استفاده از کنترلهای مستقیم، از قبیل مجوزهای سرمایه گذاری روی تخصیص منابع در داخل صنعت بین صنعت و سایر بخشها؛

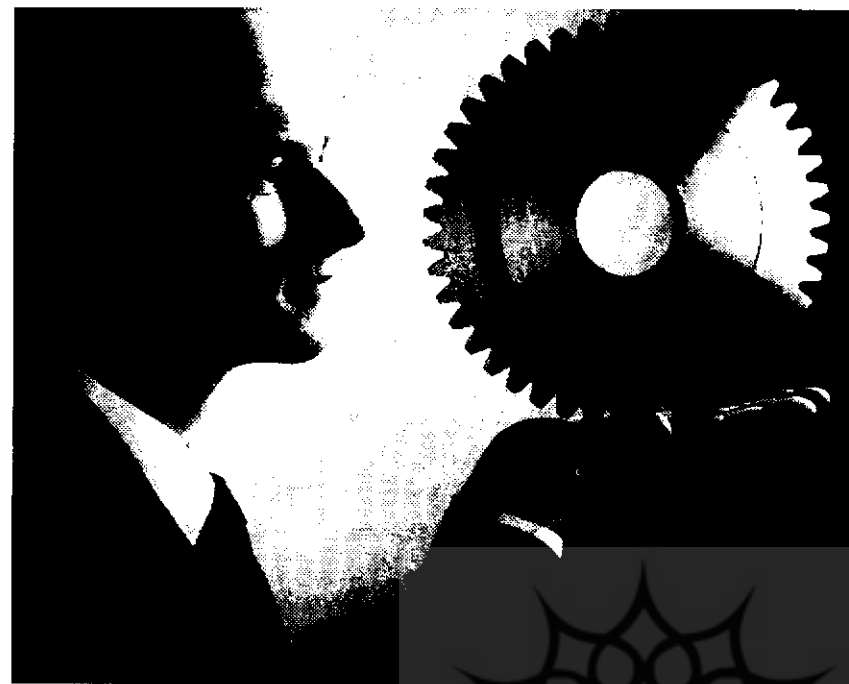
- میزان ایجاد رغبت و اعتماد شرکتهای خارجی نسبت به سرمایه گذاری بر روی پروژه های صنعتی؛

- نقشهای نسبی تعریف شده برای بخش خصوصی و دولتی جهت مشارکت در برنامه های توسعه صنعتی.

جهت گیری دولتهای کشورهای در حال توسعه

جهت گیریهای دولتهای کشورهای در حال توسعه را می توان به این شکل تقسیم بندی نمود:

۱. نگاه به داخل در مقابل نگاه به خارج، درباره سیاستهای تجاری؛



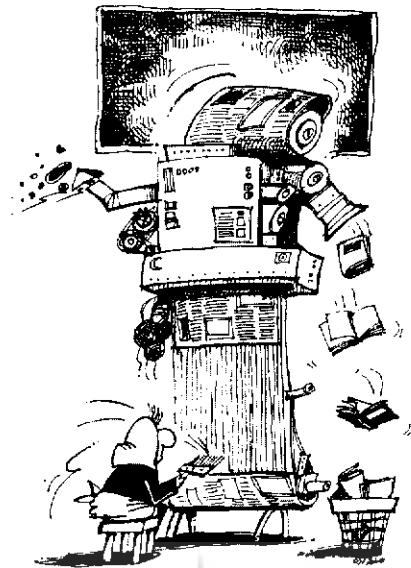
۲. سیاستهای تغییر شکل دهی، یا سیاستهای عدم تغییر شکل دهی در عرصه ها و بازارهای عمده در اقتصاد؛

۳. سیاستهای وابستگی یا غیر وابستگی به خصوص در مورد سرمایه گذاریهای خارجی؛

۴. نوع سیاستهای مربوط به مالکیتهای صنعتی (سیاستهای سرمایه داری، سوسیالیستی و ...)

غالباً در کشورهای در حال توسعه بعضی از سیاستهای فوق را بر می گزینند که بعضی تشویق کننده صنایع داخلی برای صادرات و برخی روح تجاری داشته و تشویق کننده وی جایگزینی واردات می باشند. آنچه که مهم به نظر می رسد سیاستهایی است که تشویق کننده صادرات می باشد که موجب شکوفایی صنایع داخلی گردیده، باعث نوآوریهای صنعتی و تنوع محصولات شده و زمینه را برای رقابت در داخل و سپس رقابت با صنایع خارجی فراهم و شرایط را برای تحول در ترون صنعت مهیا می سازد، این امر سبب می گردد که تحول ساختاری

بهترین توشه آخرت پرهیزگاری است. رسول اکرم (ص)



صنعت برای روی آوردن به تازه های علمی و فنی تحقق یابد. در این سیاست در کوتاه مدت هرچه داخل کشور را به مصرف بیشتر تشویق نماییم مانع رشد صادرات خواهیم بود. لذا بایستی بین مصرف داخل و صادرات، تعادلی به وجود آید.

کشورهایی مانند هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان و کره جنوبی از الگوی نگاه به خارج تبعیت می کنند و موفقیت های چشمگیری هم در توسعه صنعت و هم در توسعه صادرات و توسعه علوم و فنون به دست آورده اند. البته می توان سیاست های فوق را به صورت ترکیبی در بخش های مختلف اقتصاد بکار گرفت اما شرط اساسی این است که شرایط لازم برای هریک از سیاستها کاملا آماده باشند در غیر این صورت می تواند به صورت مخرب عمل نماید. در تجزیه و تحلیل این سیاستها و ارتباط آن با سیاست های علوم تکنولوژی در کشور، مشاهده می گردد که تحکیم سیاست نگاه به خارج در جهت تقویت صادرات صنعتی و کشاورزی تنها با پشتوانه های علمی و فنی می تواند عملی گردد. لذا هماهنگ و همزمان با اعمال سیاست، بایستی تقویت پایه های علمی و فنی مربوطه به طور دقیق و عینی مد نظر قرار گیرد. اصولاً تقویت صادرات بدون توجه به فرهنگ مربوطه و توجه به استراتژی رقابت جهانی، نوآوری در طراحی محصول، فرآیند، داشتن بهیویی و نوآوری، امکان پذیر نمی باشد. در استراتژی کنترل مستقیم، فرض بر این است که زیر بناهای علمی و فنی آمادگی لازم را برای پذیرش شرایط کنترل دارد لذا با شیوه های کنترل و هدایت سرمایه ها، می توان به آنها جهت لازم را القا کرد و سیاست های توسعه صنعتی را در قالب شیوه های کنترلی هدایت نمود. البته به نظر می رسد که این شیوه کمتر موفق می شود زیرا بایستی برای توسعه زیر بناها هزینه های فوق العاده گزافی صرف گردد

تا شیوه های کنترل، آنها را به سمت موضوع مورد نظر هدایت نماید. در این شیوه ها نیز سیاست های بهیویی در کنترل می تواند نقش ارزنده ای ایفا نماید.

در استراتژی جذب سرمایه های خارجی، اگر به موازات آن سیاست های جذب و هضم تکنولوژی منظور نشده باشد، قاعدتاً سرمایه گذاری های خارجی صرفاً "به منظور رونق اقتصادی، بدون پایه های علمی و فنی صورت خواهد گرفت که در بلند مدت جامعه را به مصرف زدگی و از طرفی وابستگی اقتصادی و سیاسی می کشاند تنها از طریق سیاست های انتقال تکنولوژی و نگاه به خارج و با سرمایه های منسجم و از قبل تدوین شده و هماهنگی با مراکز علمی است که می توان موفق گردید. نقش بهیویی دولت در این سیاست این

اصولاً "تقویت صادرات بدون توجه به فرهنگ مربوطه و توجه به استراتژی رقابت جهانی، نوآوری در طراحی محصول، فرآیند، داشتن بهیویی و نوآوری، امکان پذیر نمی باشد"

است که به موازات جذب سرمایه های داخلی و خارجی برای توسعه صنعتی، جذب و توسعه علوم و فنون نیز همزمان دنبال شود که غالباً در کشورهای صنعتی مراکز (R&D) و مراکز انتقال تکنولوژی با همکار مراکز تحقیقاتی و دانشگاهها به این امر مهم می پردازند. در سیاست توسعه صنعتی با مشارکت بخش های خصوصی و دولتی، مهم این است که فضای مشارکت در توسعه صنعتی بهبود یابد و دولت ضوابط امنیتی بهتری برای سرمایه گذاری و رعایت حقوق سرمایه گذار را فراهم آورد. در این زمینه نیز صرفاً آمادگی برای سرمایه گذاری کافی نیست بلکه بهبود دایمی قابلیت های علمی و فنی دولت برای جهت دهی، مشاوره و کمک های علمی و فنی، نقش مهمی را ایفا می کند. همچنانکه در سیاست های چهارگانه فوق ملاحظه می گردد در همه آنها قابلیت های علمی و فنی (برشمرده در زیر) دولت برای ارتقاء سطح علوم و تکنولوژی نقش کلیدی را ایفا میکند:

- الف: قابلیت های علمی و فنی در سیاست گذاری؛
- ب: قابلیت های علمی و فنی در سیاست های انتقال تکنولوژی؛
- د: تفکیک زمینه های سرمایه گذاری برای بخش های خصوصی و دولتی؛
- هـ: قابلیت های لازم برای جذب سرمایه های داخلی و خارجی.
- به نظر می رسد همکاری های سه جانبه دولت، دانشگاه و صنعت، می تواند همه وجوه فوق در زمینه های فرهنگ سازی، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و کنترل را تقویت نموده و به طور مستمر بهبود بخشد. از طرفی در همه سیاست های فوق همکاری های دانشگاه و صنعت نقش کلیدی را ایفا می نماید. در چند سال گذشته نقش عمده وزارتخانه های صنعتی در همکاری با دانشگاه به صورت بهره گیری از نیروی انسانی دانشگاه



تجلی نموده و شیوه های همکاریهای همه جانبه مد نظر قرار نگرفته است، با توجه به این که زمینه های همکاری بین دانشگاه و صنعت روز به روز گسترده تر می گردد و زمینه همکاری از حالت برخورد موضعی خارج گردیده و به صورت همکاریهای سه جانبه در سطوح سازمانی مطرح گردد تا سازمانها، پشتیبانی لازم را از همکاریهای به عمل آورده و تسهیلات لازم از قبیل امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و نیروی انسانی لازم را بسیج نمایند. به طور کلی نقش سیاستهای بهیویی دولت را در توسعه علوم و فنون می توان به شکل زیر خلاصه نمود:

الف) نقش بهیویی در آرمان گرایی دولت وسیعی در تدارک استراتژی بهیویی در زمینه های علوم و تکنولوژی؛

ب) استراتژی هدایتی، در جهت بررسی نیازهای جامعه و سعی در برنامه ریزی برای دستیابی به آنها؛

ج) استراتژی بهیویی در سیاستهای حمایتی دولت از علوم و تکنولوژی؛

د) نقش تحول ساختاری در جهت بهبود سیستمها؛

ه) نقش بهیویی قانون گذاری، در جهت تقویت و ارتقاء، دایمی علوم و تکنولوژی؛ که بعضی از این نقشها به صورت مستقیم و برخی به صورت غیر مستقیم به انجام می رسند.

۱. نقش بهیویی در اهداف علوم و تکنولوژی دولت

در این نقش، دولت می تواند از طریق شورایی عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت صنایع و شورایی عالی تحقیقات کشور و... مساعی خود را برای بهیویی اهداف کلان تعالی علوم و فنون در جامعه اسلامی در یک استراتژی

بهیویی، ارتقاء، داده و تعاریف صحیحی از دانشگاه و صنعت ارایه نماید و نحوه دستیابی به اهداف خود را روشن سازد که متاسفانه این نقش بسیار ارزنده و کلیدی در جامعه ما مخفول مانده و توجه کافی به آن نشده است. بسیاری از ارگانهای مذکور این گونه فرض نموده اند که وضعیت تعریف شده برای دانشگاهها و صنعت، ضعف چندانی ندارد و لازم است صرفاً روی اداره و نگهداری وضع موجود آنها اقدام گردد، در حالی که اشکالات اساسی موجود از تعاریف غلط از دانشگاه و صنعت که به کشور مستقلی مانند ایران اسلامی به ارث رسیده است نشأت می گیرد.

در استراتژی بهبود دایمی دانشگاه و صنعت لازم است که تعاریف درستی از دانشگاه پیشرو و صنعت پیشرو بشود تا گام به گام با کمک ارگانهای برنامه ریزی و اقتصادی به سمت آن اهداف پویا حرکت نماید. متاسفانه عمده اشکالات ما در آموزش عالی و صنعت نشأت گرفته از نداشتن همین تعاریف است و ملاحظه می کنیم که دانشگاههایی که بعد از انقلاب تاسیس شده اند متاسفانه از همان الگوهای غلط و غیر پویا با فرهنگ رسوبی تاسیس شده اند و دانشگاههایی نخواهند بود که بتوانند خدمات ارزنده ای را به جامعه ارایه نمایند. مشخصات این گونه دانشگاهها عبارتند از:

۱. استفاده عمده از اساتید حق التدریس؛
۲. نداشتن فضا و فرهنگ علمی دانشگاهی؛
۳. نداشتن فضای پژوهشی در دانشگاه؛
۴. نداشتن ارتباط منطقی با صنعت و ارگانهای دولتی و خصوصی؛
۵. نداشتن استراتژی حرکت کیفی؛ بر خلاف ضعفهای فوق در یک دانشگاه حقیقی و پیشرو نقاط قوت زیر وجود دارد:
 ۱. وجود اساتید مستقر و علاقمند بکار؛
 ۲. داشتن فضای فرهنگ علمی در دانشگاه؛
 ۳. داشتن فضای پژوهشی بسیار قوی و شوق آور؛
 ۴. وجود ارتباط بسیار قوی و حساب شده با صنایع و ارگانهای اجتماعی؛
 ۵. وجود یک استراتژی بهبود کیفی در جهت رفع مشکلات علمی و فنی جامعه؛
 ۶. توجه خاص به نیازها و جلب رضایت مشتری.
- در زمینه صنعت نیز ضعفهای بنیادی زیادی وجود دارد که با شناخت و برطرف کردن آنها می توان در جهت ارتقاء، کیفی آن اقدام نمود.
- برخی نارساییهای صنعت را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:
 ۱. نداشتن استراتژی همه جانبه صنعتی

در استراتژی جذب سرمایه های خارجی، اگر به موازات آن سیاستهای جذب و هضم تکنولوژی منظور نشده باشد، قاعدتا "سرمایه گذاریهای خارجی صرفا" به منظور رونق اقتصادی، بدون پایه های علمی و فنی صورت خواهد گرفت

ب- تحول ساختاری در دانشگاهها و صنعت براساس فرهنگ پویایی و بهبودی و بهره‌وری

در جوامع صنعتی پیشرفته دانشگاه و صنعت دارای فرهنگی بهبودی و بهره‌وری هستند و این فرهنگ زمینه ساز تحول و نوآوری در محصول و فرآیند می‌گردد و متاسفانه در جوامع عقب نگه داشته شده فرهنگ رسوبی به عنوان یک عامل اساسی عقب ماندگی است.

ج- سیاستهای کارآفرینی و نوآوری صرف توجه به تربیت نیروی غیر کیفی مشکلی را از جامعه نمی‌گشاید بلکه تربیت نیروهای غیرکارآفرین خود سبب افت بهره‌وری نیروی انسانی و بروز مشکلات اجتماعی می‌گردد. با تربیت نیروهای کارآفرین می‌توان سایر نیروها را نیز فعال نمود. ■

۳. استراتژی بهبودی و کیفی در سیاستهای حمایتی دولت از علوم و تکنولوژی
لازم است ارگانهایی مانند شورایی عالی انقلاب فرهنگی، شورایی عالی تحقیقات کشور، شورایی عالی ارتباط صنعت و دانشگاه و... یک استراتژی حمایتی پنج ساله برای حمایت از حرکت بهبودی و بهبود کیفی مراکز علمی کشور تدوین نمایند تا مشخص شود که پس از اتمام برنامه در چه موقعیتی از وضعیت علمی و فنی قرار داریم.

۴. استراتژی هدایت غیر مستقیم:
نیز می‌تواند اتخاذ شود و آن سوق دادن امکانات دولت و بودجه‌ها از طریق وضع قوانین جهت نیل امور آموزشی و پژوهشی به اهداف علمی و رفع نیازهای جامعه صنعتی کشور است.

۵. استراتژی تحول ساختاری

با توجه به مشکلات ریشه‌ای در ساختار دانشگاهها و صنعت لازم است یک بازنگری کلی در ساختار دانشگاهها و صنعت صورت گیرد و یک تحول ساختاری در آنها به عمل آید.

الف- تحول ساختاری در اقتصاد بر پایه ارزش افزوده

جهت جلوگیری از کسب درآمدهای نامشروعی که از طریق احتکار و یا انحصار حاصل می‌گردد می‌بایست با طراحی سیستمهای مطلوب اقتصادی به گونه‌ای عمل شود تا عامل احتکار، انحصارات تجاری و صنعتی از بین رفته و از این طریق زمینه‌های رقابتهای سالم در عرصه‌های تولیدی و اقتصادی حاصل شود.

برای کلیه بخشهای صنعت ؛
۲. نداشتن الگوی صحیحی از مدیریت پیشرو از قبیل (TOM مدیریت کیفیت جامع)؛
۳. نداشتن استراتژی بهبود کیفی و برنامه رشد دایمی نیروی انسانی؛
۴. نداشتن فرهنگ صنعتی و علمی متناسب با ارزشهای انقلاب؛
۵. عدم توجه به استراتژی رقابتی و عدم حمایت از پژوهشهای صنعتی؛
۶. نداشتن ارتباط متقابل با مراکز علمی و پژوهشی برای حل مشکلات علمی و فنی؛
۷. عدم توجه به مشتری گرایی؛
در این زمینه نیز بایستی وزارتخانه‌های صنعتی تلاش مستمر نموده و با همکاری مراکز عملی به رفع موارد فوق همت گمارند.

۲. استراتژی هدایت مرکزی در جهت بررسی نیازهای جامعه و سعی در برنامه ریزی برای دستیابی به آنها

ضمن تشویق سیاستهای استقلالی دانشگاهها، لازم است یک استراتژی هدایت مرکزی در جهت بررسی دایمی نیازهای جامعه و سعی در هدایت دانشگاهها برای رفع این نیازها اتخاذ شود، تا بودجه‌های صرف شده برای امور آموزش و پژوهش از بهره‌وری بالایی برخوردار گردد.



از محبت خاها گل می‌شود. (مولوی)